گفت‌وگو

حشمت‌ا... فلاحت پیشه
در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

مذاکرات ۸ آذر در فضای جنگ سرد

ادامه از صفحه ۳/ اما همان چیزی که پل پیروزی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بود می شود گفت که دغدغه آنها به حساب می آید. مجبور هستند پلی را ایجاد کنند بین نقدی که در گذشته داشتند و اثباتی که در حال حاضر انجام بدهند. به هر حال باید برجام را احیاء کنند و نقدی را که بر اساس آن دولت گذشته با عناوین مختلف از اشتباه تا خیانت می خواندند الان باید پلی را ایجاد کنند تا عقبه آنها را قانع کند و این سخت ترین کاری است که دولت باید انجام بدهد. یک واقعیتی وجود دارد که باید به آن توجه کرد و آن عبارت است از این که حقانیت ایران در چالش هسته ای مشخص است و به‌ویژه دولت بایدن اشتباه کرد که به‌اصطلاح با سیاست حداکثری ترامپ وارد موضوع شد ولی معتقد هستم که تاخیر در توافق همان توافقی که در دولت گذشته به آن توافق ۹۰درصد گفته می شد در کل به ضرر ایران تمام شد. واقعیاتی که وجود دارد این است که اگر دولت سیزدهم در قالب نقد و انتقاد پیش برده و به همین دلیل آنچه بیشتر مهم بوده یکسری موضع گیری‌ها بوده الان باید توجه کند که الان در مقام اجرا قرار دارد و در مقام اجرا اصل اساسی این است فضای فکری مسئولان دولت با فضای فکری مردم تطبیق داشته باشد. واقعیت این است که این تطبیق در حال حاضر وجود ندارد. فضای فکری مسئولان فضای متفاوتی است وقتی که مسئولان اعلام می کنند مشکل حل شده و یا مشکلات در حال حل است علت این است که خودشان واقعا مشکل ندارند وگرنه مردم با چالش های اقتصادی مواجه هستند اگر زودتر توافق می شد توپ در زمین ایران نبود و الان هم من فکر می‌کنم انتظاری که از مذاکرات ۸ آذر می‌رود این است که مسئولان مذاکره کننده به جای این که بیانیه سیاسی بدهند و کماکان با عقبه خودشان در قالب فضای انتقادی صحبت کنند به جای این موضوع بیایند و یک رویکرد اثباتی و اجرائی را در پیش بگیرند و سعی کنند به سوی یک توافق عملی حرکت بکنند. به نظرم رسیدن به این مرحله زود است و احیای برجام شاید در سه گام صورت بگیرد که هر گام نسبت به گذشته سنگین تر و سخت تر است و ضمن این که فضای بی اعتمادی شدیدی هم وجود دارد.

تغییر دولت و روی کار آمدن دولت اصولگرا و فضای سیاسی داخلی ایران چه تاثیری بر مذاکرات دارد؟

در داخل ایران هم شرایط جدیدی شکل گرفته است. دولت کنونی، دولت گذشته و اصل برجام را به شدت مورد انتقاد قرار می داد به ویژه این که این دولت بر خلاف دولت گذشته یک عقبه طرفدار دارد که با انتقادهای تندی که به دولت گذشته در زمینه برجام و اقتصاد مرتبط با خارج داشتند نتوانستند دولت و مجلس را قبضه کنند.

اما همان چیزی که پل پیروزی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بود می شود گفت که دغدغه آنها به حساب می آید. مجبور هستند پلی را ایجاد کنند بین نقدی که در گذشته داشتند و اثباتی که در حال حاضر انجام بدهند. به هر حال باید برجام را احیاء کنند و نقدی را که بر اساس آن دولت گذشته با عناوین مختلف از اشتباه تا خیانت می خواندند الان باید پلی را ایجاد کنند تا عقبه آنها را قانع کند و این سخت ترین کاری است که دولت باید انجام بدهد. یک واقعیتی وجود دارد که باید به آن توجه کرد و آن عبارت است از این که حقانیت ایران در چالش هسته ای مشخص است و به‌ویژه دولت بایدن اشتباه کرد که به‌اصطلاح با سیاست حداکثری ترامپ وارد موضوع شد ولی معتقد هستم که تاخیر در توافق همان توافقی که در دولت گذشته به آن توافق ۹۰درصد گفته می شد در کل به ضرر ایران تمام شد. واقعیاتی که وجود دارد این است که اگر دولت سیزدهم در قالب نقد و انتقاد پیش برده و به همین دلیل آنچه بیشتر مهم بوده یکسری موضع گیری‌ها بوده الان باید توجه کند که الان در مقام اجرا قرار دارد و در مقام اجرا اصل اساسی این است فضای فکری مسئولان دولت با فضای فکری مردم تطبیق داشته باشد. واقعیت این است که این تطبیق در حال حاضر وجود ندارد. فضای فکری مسئولان فضای متفاوتی است وقتی که مسئولان اعلام می کنند مشکل حل شده و یا مشکلات در حال حل است علت این است که خودشان واقعا مشکل ندارند وگرنه مردم با چالش های اقتصادی مواجه هستند اگر زودتر توافق می شد توپ در زمین ایران نبود و الان هم من فکر می‌کنم انتظاری که از مذاکرات ۸ آذر می‌رود این است که مسئولان مذاکره کننده به جای این که بیانیه سیاسی بدهند و کماکان با عقبه خودشان در قالب فضای انتقادی صحبت کنند به جای این موضوع بیایند و یک رویکرد اثباتی و اجرائی را در پیش بگیرند و سعی کنند به سوی یک توافق عملی حرکت بکنند.

دیدگاه

آرزوهای بزرگ صادرات بنز ما

ادامه از صفحه اول/ دستگاه است و خودروسازان تا این لحظه توانسته‌اند تنها به عدد ۹۰۰هزار دستگاه برسند، در حالت نرمال باید سالانه خودروسازان داخلی، مجموعا ۱/۵ تا ۱/۶میلیون دستگاه (با مجموعه خودروهای صادراتی) با چنین زیان انباشته و مشکلات متعدد تولید و تامین قطعه، تولید کنند! از این گذشته تحریم‌های سنگین و نپذیرفتن FATF عملا داشتن تجارت شفاف و آسان با کشورهای دنیا حتی در قالب خرید خودرو را تقریبا غیرممکن کرده است. پاشنه آشیل دیگر این موضوع، قیمت دلار برای ارزش‌گذاری این خودروها در بازار فروش داخلی است؛ بازاری که همین امروز، یک دستگاه «بامو ۷۳۰» مدل ۲۰۱۸ صفر کیلومتر نزدیک به ۸میلیارد تومان است؛ بسیاری از خودروهای وارداتی در بازار کشورمان با دلار ۴۰هزار تومان فروخته می‌شوند، نه ۲۸هزار تومان! درصورتی که قیمت مدل ۲۰۲۲ سری ۷ چیزی نزدیک به ۱۲۰هزار دلار است که ضرب‌در دلار ۴۰هزار تومان نزدیک به ۵میلیارد تومان خواهد شد! کاهش قیمت خودروهای داخلی، نیازمند مولفه‌های دیگری همچون کاهش قیمت ارز به دلیل تامین مواد اولیه تولید قطعات خودرو است. اگر همه‌چیز طی این ۱۵سال به‌آرامی پیش می‌رفت، حالا نه‌تنها به جای پراید، در حال صادرات مرسدس‌بنز بودیم، بلکه اصولا با فروش این خودروها، ارزآوری برای کشور ایجاد می‌شد و اثر مثبت جهانی آن، ورود دیگر بزرگان صنعت خودروسازی جهان به ایران را سبب می‌شد. همه اینها در حال حاضر شبیه یک چیز است: اثر جاودانه نویسنده شهیر «چارلز دیکنز» با نام «آرزوهای بزرگ».

آلبرت بغزیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بپذیرید آینده اقتصاد به «روند مذاکرات» بستگی دارد

تغییر وضعیت اقتصادی مردم نیازمند اراده است
امیدواری کمتر به مذاکرات بازار را بیشتر به هم می‌ریزد
وضعیت اقتصادی سه ماه قبل مردم بهتر از امروز بود
تغییر در وضعیت اقتصادی نیازمند کنار گذاشتن تعارفات است
خرید مسکن و خودرو برای مردم به رؤیا تبدیل شده است
روند مذاکرات بر اقتصاد ایران در آینده تأثیرگذار است

آرمان ملی - احسان انصاری: با آغاز مذاکرات هسته‌ای امیدواری‌ها نسبت به کاهش التهاب بازار و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی مردم افزایش پیدا کرده است. با این وجود آنچه باعث نگرانی نسبت به روند مذاکرات شده پیش شرط‌هایی که طرفین برای هم گذاشته‌اند. از یک طرف ایران عنوان می‌کند آمریکا باید همه تحریم‌ها را یکجا بردارد و از سوی دیگر آمریکا خواستار کاهش سطح غنی سازی ایران است. آنچه در این بین حائز اهمیت است وضعیت اقتصادی کشور است که به چه میزان تحت تأثیر روند مذاکرات قرار خواهد داشت. از سوی دیگر دولت آقای رئیسی وعده‌های اقتصادی زیادی به مردم داده که در حالی که بیش از سه ماه از عمر دولت می‌گذرد همچنان نشانه‌هایی از تحقق این وعده‌ها مشاهده نمی‌شود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با دکتر آلبرت بغزیان استاد اقتصاد دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تغییر در وضعیت اقتصادی مردم مهم‌ترین شعار انتخاباتی آقای رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری بود. آیا در مدتی که از عمر دولت سیزدهم گذشته تغییری در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم صورت گرفته است؟

هنگامی که فردی در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری عنوان می‌کند اگر در انتخابات پیروز شد تورم و بیکاری را کاهش می‌دهد به معنای این است که ما حداقل باید چهار سال منتظر باشیم تا وعده‌های وی محقق شود. وعده‌های انتخاباتی در همه کشورهای دنیا وجود دارد اما در کشور ما این وعده‌ها بیشتر است و انتظارها از رئیس‌جمهور و مدیران جدید بیشتر است. با این‌وجود اگر وضعیت امروز اقتصادی و معیشتی مردم را با زمانی که آقای رئیسی در انتخابات پیروز شدند مقایسه کنیم وضعیت سه ماه قبل بهتر از امروز بود. در شرایط کنونی قیمت لبنیات، قیمت خودرو، نرخ ارز و قیمت مسکن نسبت به سه ماه قبل بیشتر شده است. یعنی وضعیت دو سال قبل نیز بهتر از امروز بود. سؤال این است که چه اتفاقی رخ‌داده که هم دولت گذشته نتوانست مدیریت خوبی بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم داشته باشد و هم اینکه دولت جدید با همه دلسوزی‌هایی که از خود نشان می‌دهد در تغییر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم موفق نبوده است؟ دولت سیزدهم در حال تلاش برای تغییر وضعیت کنونی است اما آنچه حائز اهمیت است این است که درنهایت عملکرد دولت چه نمره‌ای خواهد گرفت. به نظر می‌رسد هنوز خبری از بهبود وضعیت نیست و بلکه باید منتظر ماند. هنگامی که وزیر اقتصاد طرح کاهش نرخ تورم را ارائه می‌کند به معنای این است که ما باید صبر کنیم و نتیجه این طرح را به‌تدریج مشاهده کنیم. اگر قرار بود یک‌روزه تغییر ایجاد شود نیاز به طرح وجود نداشت. هرچند من معتقدم تغییر در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر است. با این‌وجود نیاز به اراده و کنار گذاشتن تعارف با برخی فعالان و رویکردهای اقتصادی است. هنوز نمی‌توان درباره عملکرد اقتصادی دولت قضاوت کرد. اگر برخی عنوان می‌کنند تغییرات مثبتی صورت گرفته اما واقعیت این است که هنوز مردم صبح که از خواب بیدار می‌شوند نگران این موضوع هستند که امروز قیمت چه کالایی افزایش پیدا کرده است و سفره آنها مانند دیروز خواهد بود یا خیر. فعلاً ما درباره وعده‌ها صحبت می‌کنیم. البته تلاش‌هایی در حال انجام شدن است. به‌عنوان‌مثال در موضوع برجام قدم‌هایی برداشته‌شده هرچند دلار از نرخ ۲۹ هزار تومان عبور کرده است. قیمت خودرو نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده است. امروز مردم برای خرید یک خودرو صفرکیلومتر و یا یک خودرو کارکرده مناسب با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند و خرید یک خودرو خوب برای مردم به یک رؤیا تبدیل‌شده است. خرید مسکن نیز برای مردم به یک رؤیا تبدیل‌شده و تنها اجاره کردن آن می‌تواند یک پیروزی به شمار برود. وضعیت لوازم‌خانگی و وسائل ازدواج جوانان نیز به همین صورت است و هنوز امید به کاهش قیمت‌ها در بین مردم به‌وجود نیامده است.

در ماه‌های گذشته رویکرد دولت در زمینه های مختلف اقتصادی تا حدود زیادی مشخص‌شده است. در یک نگاه آسیب شناسانه چه نقاط قوت و ضعفی در برنامه‌های اقتصادی دولت سیزدهم مشاهده می‌کنید؟

در اینکه دولت نسبت به وضعیت اقتصادی کشور آگاهی دارد شکی وجود ندارد. دولت سیزدهم از محدود دولت‌هایی بوده که نیاز نبوده ۱۰۰ روز بگذرد تا تازه متوجه شود چه میراثی از دولت قبل تحویل گرفته است. دولت از روزی که کار خود را آغاز کرده به‌خوبی می‌دانسته که شرایط اقتصادی به چه صورت بوده است. در چنین شرایطی آنچه حائز اهمیت است راه‌حل‌هاست. واقعیت این است که راه‌حل‌ها نیز مشخص است. دولت باید برای تورم، کسری بودجه، نقدینگی سرگردان و نرخ ارز برنامه داشته باشد. ابزارهایی که در این زمینه‌ها مورد استفاده قرارگرفته منطقی بوده است اما نتایجی به همراه نداشته است. اگر دولت عنوان می‌کند قصد دارد کسری بودجه سال ۱۴۰۱ را جبران کند سؤال این است که چگونه می‌تواند کسری بودجه امسال را رفع کند. چرا کسری بودجه ایجادشده است؟ به‌دلیل کاهش درآمدهای نفتی است و یا به دلیل افزایش هزینه‌های دولت است؟ این موضوعاتی است که در فضای رسانه‌ای پیرامون دولت وجود دارد اما هنوز راه‌حلی برای آن ارائه نشده است. رویکردها نیز کوتاه‌مدت نیست و بلکه میان‌مدت است. سؤال این است که در این مدت چه کار باید کرد هنگامی که قیمت تخم‌مرغ، برنج و روغن و دیگر اقلام اساسی مردم بی‌ثبات و ناآرام است. هنگامی که ما از گشایش‌های احتمالی در شش ماه آینده می‌کنیم چه کمکی به کسی است که امروز به نوشدارو نیاز دارد و نه آن زمان. برنامه‌های دولت منطقی است و افرادی که برای اجرای برنامه‌ها انتخاب‌شده‌اند نیز دلسوز هستند. با این‌وجود مردم انتظار بیشتری نسبت به دولت آقای رئیسی دارند تا دولت هم در سفره آنها تغییر ایجاد کند و هم اینکه آنها را به آینده امیدوارتر کند. وضعیت امروز دولت مانند دانشجویی است که هنوز به میان‌ترم و پایان‌ترم نرسیده و فعلاً در حال آموزش و درس خواندن است. به همین دلیل نیز نمی‌توان درباره عملکرد آن قضاوت کرد.

> دولت از روزی که کار خود را آغاز کرده به‌خوبی می‌دانسته که شرایط اقتصادی به چه صورت است. در چنین شرایطی آنچه حائز اهمیت است راه‌حل‌هاست. دولت باید برای تورم، کسری بودجه، نقدینگی سرگردان و نرخ ارز برنامه داشته باشد

برخی از کارشناسان عنوان می‌کنند دولت آقای رئیسی علی‌رغم برنامه‌هایی که اعلام کرده و افرادی که در گروه اقتصادی انتخاب کرده فاقد استراتژی و برنامه مدون اقتصادی است. آیا درواقع چنین است؟

واقعیت این است که با توجه به شرایط کشور نمی‌توان انتظار اقدامات ابتکاری و معجزه از دولت برای حل مشکلات باشیم. موضوع اصلی در این زمینه اراده است. این سخن به این معناست که اگر اراده وجود داشته باشد دولت می‌تواند به سراغ فرار مالیاتی برود از معافیت‌های بیجا جلوگیری کند. اگر اراده وجود داشته باشد دولت به سراغ شرکت‌هایی می‌رود که در بودجه دولت را می‌دوشند یا به سراغ بانک‌هایی می‌رود که بدهکاران بزرگ دارند اما هیچ‌گاه دنبال بدهکاران بزرگ بانکی خود نیستند. اگر اراده‌ای وجود داشته باشد باید به دنبال واردکنندگانی برود که با ارز ۴۲۰۰ کالا وارد کرده‌اند اما با ارز ۳۰ هزار تومان در بازار به فروش می‌رسانند. این اقداماتی است که می‌توان در کوتاه‌مدت و در عرض یک یا دو هفته نیز به آن رسیدگی کرد و اصلاً به بلندمدت نمی‌رسد. اگر اراده وجود نداشته باشد شرایط مانند دولت قبلی می‌شود. در هشت سال گذشته همواره عنوان شد که دولت قصد دارد بنگاه‌داری بانک‌ها را کاهش بدهد تا بانک‌ها منابع مازاد را بفروشند. بانک‌ها نیز منابع خود را به قسمت املاک منتقل کرده‌اند. رسیدگی به این امور نیاز به برنامه ندارد و بلکه به اراده نیاز دارد. واقعیت این است که اراده در این دولت وجود دارد اما هنوز ما خبری در این دولت که فلان بدهکار بزرگ بانکی دستگیرشده و پول‌های آن نیز برگشته مشاهده نکرده‌ایم. امروز مردم با این سؤال مواجه هستند که اگر سلطان‌های دلار، سکه و... را پیدا می‌کنیم و مجازات می‌کنیم پس چرا قیمت کالاهای مورد نیاز مردم کاهش پیدا نمی‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که هنوز اراده کافی در این زمینه وجود ندارد.

در دهه‌های گذشته اقتصاد کشور تحت تأثیر رویکرد ایران درزمینه سیاست خارجی و به‌خصوص پرونده هسته‌ای قرار داشته است. با توجه به پیش شرط‌هایی که دولت آقای رئیسی برای طرف مقابل گذاشته و همچنین رویکردی که آمریکا در پیش‌گرفته آیا می‌توان به آینده مذاکرات و تأثیر مثبت آن روی فضای اقتصادی ایران خوش‌بین بود؟

تأثیر یک خبر خوش و صحیح ازروند مذاکرات که مبتنی بر رویکرد برد- برد باشد بر اقتصادی کشور زیاد خواهد بود. در چنین شرایطی اگر قصد داشته باشیم تأثیر این اخبار روی سفره‌های مردم مشاهده شود باید با یک رویکرد منسجم و برنامه‌ریزی‌شده وارد مذاکرات شویم. در شرایط کنونی مذاکرات در وضعیت شل کن و سفت کن قرارگرفته و مانند کسی شده که مرتب به وی می‌گویند قرار است فردا صبح اعدام شود اما در لحظه اعدام اجرای حکم را متوقف می‌کنند و دوباره وی را به سلول خود منتقل می‌کنند و به وی غذا می‌دهند و به زندگی امیدوار می‌کنند. به‌هرحال چنین کسی هنگامی که در پای چوبه دار قرار می‌گیرد قید همه‌چیز را می‌زند و همه‌چیز را تمام‌شده می‌داند. این وضعیت درباره مذاکرات نیز وجود دارد و بارها اعلام‌شده که مذاکرات به نتیجه رسیده و یا شکست‌خورده و دوباره مواضع طرفین تغییر کرده و رویکرد جدیدی آر پیش گرفته شده است. واقعیت این است که به‌اندازه‌ای اخبار غیر شفاف درباره مذاکرات مطرح می‌شود که اگر هیچ صحبتی در این زمینه صورت نگیرد بهتر است. چه اتفاقی رخ داد که دلار به‌یک‌باره به کانال ۲۹ هزار تومان رسید. آیا غیر از این بود که عنوان شد مذاکرات به بن‌بست رسیده است. در چنین شرایطی بانک مرکزی نیز که تا دیروز دلار را ۲۶۷۰۰ می‌فروخته به‌یک‌باره قیمت دلار را ۲۷۷۰۰ کرده است. در روزهای آینده مذاکرات دوباره از سر گرفته می‌شود و این قابل پیش‌بینی است که قیمت دلار دوباره روند کاهشی پیدا کند و از کانال ۲۹ هزار تومان به کانال ۲۸ هزار تومان و یا کمتر کاهش پیدا کند. اگر کسی فکر کند روند مذاکرات بر اقتصاد کشور تأثیر ندارد اشتباه است. وضعیت مذاکرات قطعاً در وضعیت اقتصاد کشور تأثیرگذار است. زمانی که آمریکا از برجام خارج شد قیمت ارز در ایران ۱۰ هزار تومان بود. با این وجود به‌مرورزمان قیمت ارز افزایش پیدا کرد و متعاقب آن قیمت کالاهای اساسی نیز افزایش پیدا کرد. آیا اگر برجام ادامه پیدا می‌کرد این اتفاقات در اقتصاد ایران رخ می‌داد؟ بدون تردید چنین اتفاقی رخ نمی‌داد و کار به‌جایی نمی‌رسید که برنج ایرانی در داخل کشور به قیمت ۶۰ هزار تومان برسد. برخی نیز از چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند و با احتکار و اختلاس شرایط را سخت‌تر می‌کنند. این افراد را باید کاسبان تحریم‌ها و فرصت‌طلب نامید که به‌دنبال سوءاستفاده از وضعیت موجود هستند. تحریم‌های آمریکا اثر خود را روی اقتصاد ایران گذاشته و اگر مذاکرات به نتیجه نرسد وضعیت بدتر نیز می‌شود. هرچه امیدواری کمتری نسبت به مذاکرات وجود داشته باشد به همان اندازه بازارهای داخلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به هم می‌ریزد.

> تحریم‌های آمریکا اثر خود را بر اقتصاد ایران گذاشته و اگر مذاکرات به نتیجه نرسد وضعیت بدتر می‌شود. هرچه امیدواری کمتری نسبت به مذاکرات وجود داشته باشد به همان اندازه بازارهای داخلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به هم می‌ریزد

در حالت خوش‌بینانه اگر مذاکرات به نتیجه برسد چه پیامدهایی برای اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت و در حالت بدبینانه اگر مذاکرات شکست بخورد چه چالش‌هایی در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود؟

نباید به این موضوع به‌صورت «صفر و یک» نگاه کرد. قرار نیست مذاکرات تا ابد ادامه پیدا کند و درنهایت باید به نتیجه برسد. اگر برخی عنوان می‌کنند موضوع رابطه با آمریکا وجود دارد در چنین شرایط باید عنوان کرد این موضوع سیاسی است و قرار هم نیست در آینده تغییری در وضعیت رابطه ایران و آمریکا رخ بدهد. با این‌وجود شرایط مذاکرات با رابطه ایران و آمریکا متفاوت است و باید نگاه متفاوتی به آن داشت. آمریکا جزئی از برجام است و بقیه کشورها از جمله کشورهای اروپایی نیز در برجام حضور دارند. ما با کشورهای اروپایی رابطه تجاری داریم و این روابط سابقه زیادی دارد. البته که کشورهای اروپایی در مذاکرات از مواضع آمریکا حمایت می‌کنند. با این وجود رسیدن به توافق محال نیست. ممکن است توافق یک سال و یا شاید چند سال دیگر رخ بدهد. همین که مذاکرات دوباره قرار است آغاز شود امیدواری ایجاد می‌کند و التهابات را از بازار کاهش می‌دهد.

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نه رویه را تغییر می‌دهید؛ نه FATF را می‌پذیرید

در سیاست خارجی با حق خواهی که نمی‌شود منافع ملی را تضمین کرد؛ حتما این رویه، بی‌نتیجه خواهد بود
نپذیرفتن FATF یعنی خودمان، خودمان را تحریم کرده‌ایم؛ به همین سادگی متاسفانه

آرمان ملی - علیرضا پورحسین: پس از گفت‌وگو خبری اولیه رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در خصوص اینکه تفاهمی حاصل شده است تا در خصوص مسائل فنی هسته‌ای در آینده گفت‌وگوهایی صورت گیرد، رافائل گروسی بار دیگر پس از خروج از ایران مواضع دیگری اتخاذ کرد و عنوان کرد که موارد اختلافی گذشته همچنان پابرجاست. اظهاراتی که بلافاصله بهانه به دست مقامات غربی و برخی کشورهای عربی داد تا آنها نیز در شورای حکام علیه ایران موضع گیری کنند. امری که در سال‌های گذشته بارها تکرار شده است و همواره روند دیپلماتیک حل اختلافات را با چالش مواجه کرده است. امری که این بار چند روز پیش از آغاز مذاکرات در وین رقم خورده و این احتمال را بیشتر کرده که در مذاکرات وین خللی ایجاد کند. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت و گویی با فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین ایران داشته است که در ادامه می‌خوانید.

عکس: آرمان ملی/فاطمه فتاحی

با توجه به اتفاقات رخ داده در روزهای اخیر در شورای حکام و موضع گیری‌های مدیرعامل آژانس بین المللی انرژی اتمی، می‌توان امیدوار بود تا اختلافات پیرامون مسائل هسته‌ای حل و فصل شود؟

کار در این زمینه سخت است، زیرا هر کدام از طرفین ذهنیت و تفکر مختص به خود را دارند و آنگونه که تمایل دارند به مسائل نگاه می‌کنند و در خصوص آن تصمیم گیری می‌کنند. امروز نگاه طرف‌های دیگر برجام به دولت سیزدهم خوب نیست و با برخی از مذاکره کننده‌های امروزی در گذشته همکاری کرده‌اند و به همین علت نگاه خوبی ندارند. باید توجه داشت که دولت نماینده حاکمیت در عرصه مذاکرات است و این نگاه حاکمیت است که در آنجا مطرح می‌شود. هنوز کسی فراموش نکرده است که این جریان که امروز قصد رفتن به وین را دارند در گذشته مخالف جدی برجام بودند و هر اقدامی برای توقف مذاکرات انجام دادند. امروز غربی‌ها بر این باور هستند که ایران به این خاطر مذاکرات را طولانی کرده است و یا اجازه بازدید از یک مرکز خاص را نمی‌دهد به این علت است که قصد دارد توانایی هسته‌ای خود را افزایش دهد و از آن یک اهرم فشار تولید کند. این بدبینی در میان طرف‌های برجام بیشتر شده است و اساسا امروز اصل مذاکرات را نیز به نحوی وقت کشی برای توسعه برنامه هسته‌ای می‌دانند. امروز باید توجه داشت که مذاکره برای مذاکره فایده ندارد و باید به سمت حل کلی مشکل حرکت کرد. امروز ملت ایران از تحریم‌ها رنج می‌برد و تورم و گرانی را تحمل می‌کند. در روند سیاست خارجی خود باید به این مسائل توجه کرد و با نگاه به این گرفتاری‌ها تصمیم گیری کرد. مشکلات امروز کشور ناشی از همین تحریم‌هاست. فارغ از اینکه چه کسی محق است و چه کسی ظالم باید نگاه سیاسی به این چالش داشت و آن را فارغ از مسائل حقوقی حل و فصل کرد. ایران امروز نباید رفع تحریم‌ها علیه مردم را سخت کند. باید مدنظر داشت که از این تحریم‌ها کسی جز مردم ایران ضرر نمی‌کند و باید با دقت بیشتری در این عرصه گام برداشت تا این فرصت بدست آمده از بین نرود. نباید علم سیاست و حقوق را درهم آمیخت و باید از مسیر سیاسی تحریم‌ها را برطرف کرد و با گام‌های هوشمندانه برای همیشه از این گرفتاری رها شد. در سیاست قانون مداری مبتنی بر اقتدار حرف اول را می‌زند اما در حقوق هر طرفی به دنبال به دست آوردن حق و منافع خود است. در سیاست آن چیزی را که توانایی انجام آن را داریم پیش می‌بریم و در آن به منافع ملی توجه می‌شود و نه به حقوق ملی و امروز ایران نیز باید به دنبال منافع ملی خود باشد و بر حقوق خود که برخی از آنها امروز در دسترس نیستند، پافشاری نکند تا منافع کشور و مردم تامین شود. این اشتباه را سیاستمداران ایران در گذشته نیز مرتکب شده‌اند. دکتر مصدق نیز به دنبال حقوق ملی بود اما توجه کمتری به منافع ملی کرد و همین امر سبب شد تا ایران ۴ سال متضرر شود و عملا تمامی تلاش‌ها در آن سال‌ها بی‌نتیجه باقی ماند و ایران در مجموع متضرر شد. امروز مردم ایران در رنج و زحمت هستند و علت آن نیز تحت فشار قرار گرفتن کشور از جهات مختلف است. برخی سیاست‌های ما اشتباه بوده است و باید این سیاست‌های اشتباه منطقه‌ای را تصحیح کنیم. امروز غرب منافع و خطوط قرمزی در منطقه دارد که مشخصا دست ایران را برای نقض این موارد باز نمی‌گذارد. امروز حتی روسیه نیز با سیاست‌های منطقه‌ای ایران همراه نیست و اجازه نخواهد داد تا دستان ایران باز شود. کشورهای غربی امروز ذهنیتشان این است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است و می‌خواهد این سلاح را مخفیانه تولید کند و زمانی که این ذهنیت و تفکر خود را در کنار مسائل منطقه‌ای و کنش‌های ایران در آن قرار می‌دهند، برایشان قابل تحمل نخواهد بود و از آن عبور نمی‌کنند. امروز ایران نباید از سیاست‌های خود عقب نشینی کند اما نباید به گونه‌ای عمل کند که در ابتدا منافع خودش به خطر بیفتد و مردم متضرر شوند. در قطعنامه شورای امنیت در خصوص برجام بر حفظ امنیت و صلح منطقه تاکید شده است و این عبارت بیانگر این است که غربی‌ها خواستار تامین امنیت تمامی کشورهای مشروع و غیرمشروع منطقه هستند. تا زمانی که ایران این ذهنیت اشتباه آنها را اصلاح نکند توافق سخت می‌شود و باید برای این حوزه فکری کرد وگرنه باز هم در صورتی که توافق شکل گیرد به مشکل برخواهیم خورد.

در راستای برون‌رفت از شرایط موجود چه باید کرد؟

امروز نیاز است تا در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کنیم. مشخصا این به معنای شکست نیست بلکه به معنای این است که باید بر اساس قواعد صحیح بازی کنیم. ایران باید از حوادث گذشته عبرت گیرد. سیاست خارجی محل دخیل کردن احساسات نیست و نمی‌توان با احساسات کشور را مدیریت کرد. زمان آن فرا رسیده است که منافع ملی ایران در اولویت همه امور قرار گیرد و در راستای تحقق منافع ملی ایران، هوشمندانه و طبق قوانین بین‌المللی عمل کنیم. ایران زمانی می‌تواند منافع ملی خود را به دست آورد که به منافع ملی سایر کشورها احترام بگذارد. امروز در برهه‌ای از زمان قرار گرفته‌ایم که باید تعامل با جهان در دستور کار قرار گیرد تا بتوانیم درهای تجارت را به روی کشور باز کنیم. سیاست‌هایی که در سال‌های گذشته در دستور کار بوده است، اشتباه است و باید در برخی حوزه‌ها تجدیدنظر کرد تا از زیر فشار حداکثری که امروز قرار گرفته‌ایم، خارج شویم.

کدام اشتباه می‌تواند هزینه‌های بیشتری به کشور تحمیل کند و باید اصلاح شود؟

نکته مهم و اساسی امروز این است که بن بست در دیپلماسی دولت‌های نهم و دهم باید عبرتی باشد که بار دیگر تکرار نشود. این مساله با توجه به اینکه دو روز دیگر مذاکرات هسته‌ای آغاز می‌شود از اهمیت بسزایی برخوردار است. مذاکرات پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ما که عمری یک ساله و دو ساله ندارد. نزدیک به ۲۰ سال است که مذاکرات با غربی‌ها را در دستور کار داریم که ده سال آن فقط وقت کشی آقایان بود که نهایتا به بن‌بست رسید و از دل آن بن بست مذاکرات برجامی و توافق هسته‌ای حاصل شد. حال اگر امروز دولت به دنبال آن است که از چهره‌های بن بست گرا استفاده کند و طبق تفکر آنها مذاکرات مدیریت شود، یعنی چهار سال پیش رو کشور باید خود را آماده مواجهه با اجماع جهانی و آغاز فصل جدیدی از صدور قطعنامه‌های جدید کند، آن زمان دیگر آینده کشور مشخص نیست و هر مانع و هر چالشی ممکن است میش روی ما قرار گیرد.

تمایل امارات و برخی کشورهای عربی به سمت بهبود روابط با ایران به چه علت در ماه‌های بیشتر شده است؟

کشورهای عربی به دنبال ایجاد یک توازن هستند و می‌خواهند در این توازن با تمامی کشورها رابطه خوبی داشته باشند. به همین علت در ابتدا به سمت اسرائیل رفتند و رابطه سیاسی با اسرائیل برقرار کردند و پس از آن نیز امروز به سمت ایران می‌آیند زیرا ایران یک کشور قدرتمند است و نمی‌خواهند به‌واسطه اینکه به سمت اسرائیل رفته‌اند، متضرر شوند. کشورهای عربی به‌خاطر منافع خود می‌خواهند رابطه دوستانه با ایران داشته باشند زیرا از قدرت ایران هراس دارند. کشورهای عربی برای اینکه امنیت بیشتری داشته باشند به دنبال این هستند با تمام همسایگان خود روابط خوبی داشته باشند. کشورهای عربی امروز به یک رفاه و ثروت ایده‌آل دست پیدا کرده‌اند و مشخصا نمی‌خواهند آن را با جنگ و نزاع و اختلاف سیاسی، از بین ببرند. این یک سیاستی است که به صورت جدی از سوی تمامی کشورهای عربی تقریبا دنبال می‌شود و برخی از این سیاست‌ها نیز قابل تامل است و می‌تواند برای سایر کشورها درس مهمی باشد.

با توجه به موارد ذکر شده، چگونه می‌توان به توافق در وین نزدیک‌تر شد؟

درست است که آمریکا برجام را برهم زده است و نقض کننده رسمی این تفاهم بین‌المللی بوده، اما مشخصا آنها زودتر به تفاهم برنخواهند گشت و دونالد ترامپ نیز ابزارهای زیادی در اختیار آنها قرار داد تا در این عرصه آن گونه که تمایل دارند اقدام کنند. بهانه دولت بایدن این است که مخالف فعالیت‌های منطقه‌ای ایران هستند و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به خطوط قرمز آنها آسیب وارد می‌کند. آمریکایی‌ها بر این باور هستند که ایران به‌واسطه ضربه زدن به این خطوط قرمز است که فعالیت‌های نظامی و هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد و به همین علت تفکیک میان این موارد عملی نیست و در خصوص مشکل جدی وجود دارد. بنابراین اگر ایران خواستار لغو تمامی تحریم‌ها باشد آنها نیز این موارد را مطرح می‌کنند. در مقابل ایران این موارد جدا می‌داند و صرفا در خصوص برخی از آنها حاضر به مذاکره است. این دیدگاه‌ها تا به امروز مشخص شده که در تضاد قرار دارند و به نظر برای حل آنها باید اقدامات بیشتری انجام شود. مذاکره چیزی جز تبادل امتیاز نیست. اگر بخواهیم بر سر مواضع خود ایستاده و هیچ داد و ستدی نداشته باشیم پس به چه علت مذاکره انجام می‌دهیم؟ امروز غربی‌ها بر این باور هستند که فشار تحریم‌ها بر ایران تاثیر جدی گذاشته و ایران به جایی رسیده است که آماده یک توافق است. امروز ایران باید گزینه سازگاری با جهان را در پیش گیرد تا بتواند از این پیچ سخت عبور کند. مشخصا این پذیرفته است که ایران در مسائلی ورود کند که امنیت ملی کشورمان را بر هم می‌زند اما باید ورود ایران به مسائل بین المللی به گونه‌ای نباشد که جهان علیه ما اجماع کند. باید هوشیارانه گام برداریم تا بتوانیم به خواسته‌های خود در برجام دست یابیم و بار دیگر اجماع علیه ما رخ ندهد. یادمان نرود که امروز آمریکا و اروپا اختلافاتشان به حداقل رسیده و همچون دوران ترامپ از هم دور نیستند پس ممکن است با اتحاد هر اقدامی علیه ایران انجام دهند.

هنوز موانع داخلی در ایران به نظر شما مانع توافق در مذاکرات احیای برجام است؟

برخی ایران را از ارتباط بانکی بین‌المللی به واسطه تصویب نکردن FATF منع کرده‌اند و عملا خودمان خودمان را تحریم کرده‌ایم. این موارد و قوانین را روسیه و چین نیز تصویب کرده‌اند، اما ایران هنوز آنها را نپذیرفته است. اگر نمی‌خواهیم تحریم‌ها لغو شوند پس به چه علت در مذاکرات ۸ آذر شرکت می‌کنیم؟ امروز میلیاردها دلار از پول‌های ایران در اروپا آزاد شده است اما به‌واسطه عدم تصویب FATF نمی‌توانیم آنها را به داخل کشور منتقل کنیم. علاوه بر این ایران اگر خواسته‌ای دارد باید با شجاعت پیش رود و با هر کشوری که مانع است باید گفت و گو کند و موانع را از پیش رو بردارد. باید تکلیف خود را مشخص کنیم که مذاکره می‌خواهیم بکنیم یا علاقه‌ای به گفت و گو نداریم. عملا در این مسیر منابع کشور در حال هدر رفتن است و این مردم هستند که در این میان متضرر می‌شوند. باید تکلیف را یک بار برای همیشه مشخص کنیم. اگر گفت و گو می‌خواهیم و می‌خواهیم که وضعیت اقتصاد بهبود پیدا کند دیگر نباید بر سر مسیر آن مانعی همچون عدم تصویب FATF ایجاد کنیم. این گونه در مذاکرات ۸ آذر به نتیجه نخواهیم رسید. به علت اینکه تکلیف ما در این عرصه مشخص نشده است.

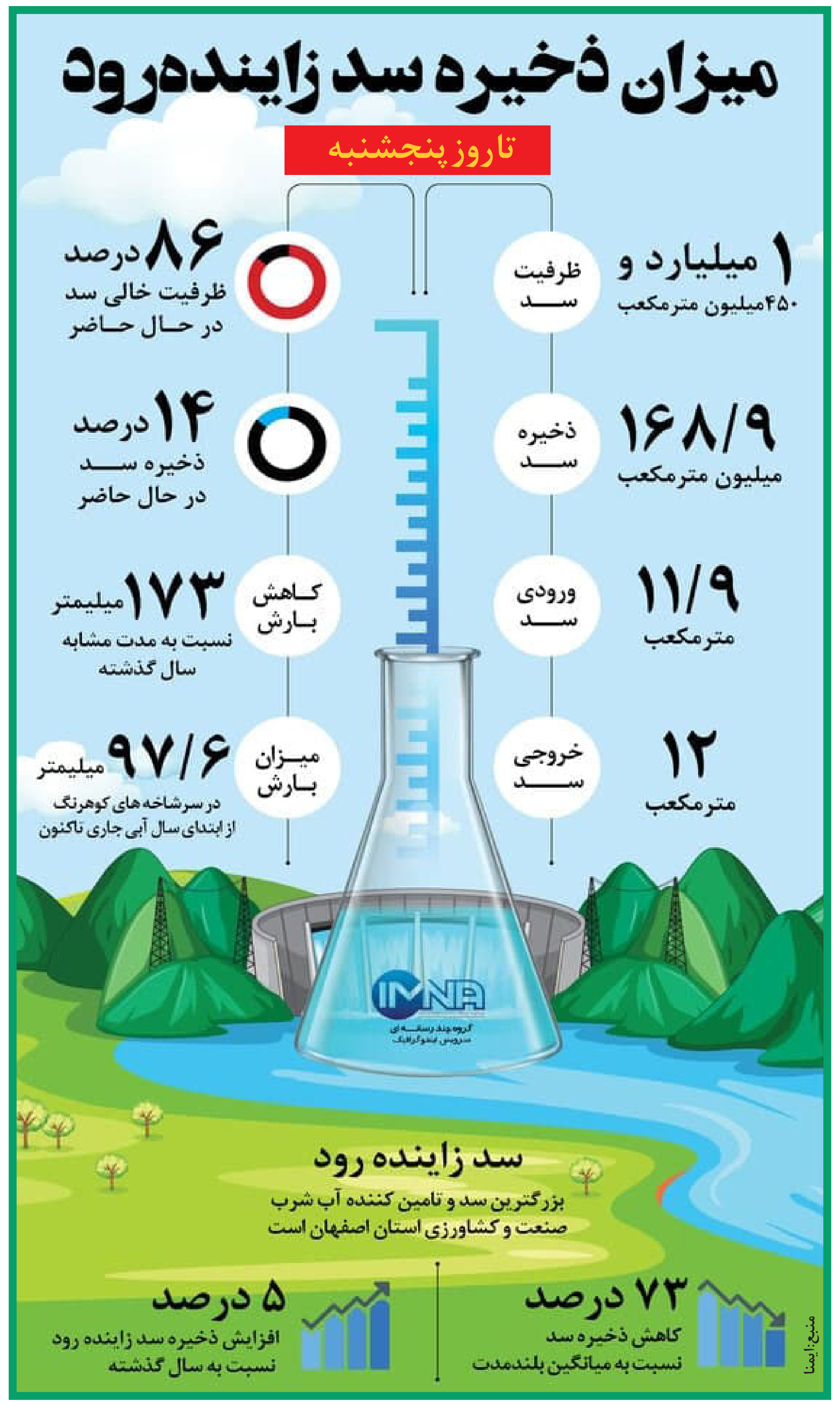

یادداشت

رفتار واقع‌گرایانه تیم مذاکره‌کننده

رضا نصری
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

شواهد نشان می‌دهد جریان‌های مخالف برجام در واشنگتن - از جمله لابی اسرائیل - به شدت تلاش می‌کنند این روایت را در فضای عمومی آمریکا غالب شود که ایران قصد دارد وقت تلف کند تا در فرصت پدید آمده برنامه هسته‌ای‌اش را - با هدف نیل به سلاح هسته‌ای و مبادرت به آنچه «اخاذی هسته‌ای» می‌خوانند گسترش دهد! در واقع، این جریان تلاش می‌کند «دیپلماسی» را به عنوان مقصر اصلی پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و احیانا دسترسی تهران به سلاح هسته‌ای (به زعم آنها) معرفی کند و مدام نیز در رسانه‌ها از دولت بایدن بابت نادیده گرفتن این «خطر» انتقاد می‌کند. هدف اصلی این جریان هم این است که دولت بایدن را از طریق نامساعد کردن فضای سیاسی از ادامه گفت‌وگو با ایران منصرف سازد و عملا راهی جز از سرگیری سیاست «فشار حداکثری» و مقابله میان دو کشور باقی نگذارد. طبیعتاً، لحن، مواضع و عملکرد تیم مذاکره‌کننده جدید ایران نیز بر این فرایند تاثیر بسزایی خواهد داشت. حقیقت این است که اگر منطق اهرم‌سازی در هر دو طرف همچنان بر سر میز مذاکره سایه بیندازد و اگر لحن و مواضع ایران برای مخالفان برجام در واشنگتن قابلیت سوءاستفاده تبلیغاتی داشته باشد - حتی اگر دولت بایدن واقعا قصد توافق داشته باشد، فضای سیاست داخلی آمریکا به سختی این اجازه را به او خواهد داد. در صورت تداوم «منطق اهرم‌سازی»، نه تنها در هفته‌های آینده گفتمان مخالفان برجام در فضای رسانه‌ای آمریکا غالب شود، بلکه حتی کنگره نیز از طریق قطعنامه‌های سهل‌الوصول - مانند قطعنامه Sense of Congress - و اعمال فشارهای سیاسی، عرصه را بر تیم مذاکره‌کننده آمریکا تنگ‌تر کند؛ و دولت بایدن را به سمت توسل به اهرم‌های قوی‌تر و رجوع به شورای امنیت سوق دهد. اگر دولت جدید ایران - ولو با نیت نمایش اقتدار و القاء بی‌نیازی - بخواهد بر سر موضوعاتی از قبیل «نقطه از سرگیری گفت‌وگوها»، تاریخ نشست بعدی، محل برگزاری دور بعدی مذاکرات یا مسائل تشریفاتی این‌چنینی بیش از اندازه مانور بدهد؛ یا اگر خواسته‌هایی مطرح کند که تحقق آن برای قوه مجریه آمریکا از نظر قانون اساسی این کشور عملا مقدور نباشد، قطعا مخالفان برجام در واشنگتن از این فضا برای تخریب فرآیند مذاکراتی و زیر سؤال بردن نیت واقعی ایران استفاده خواهند کرد. اگر تلاش کارگزاران سیاست خارجی دولت رئیسی در القای «بی‌نیازی ایران از رفع تحریم» از حد و حدودی بگذرد، چه بسا این تلاش به جای تقویت موقعیت مذاکراتی ایران، به سوءمحاسبه طرف مقابل - و احیانا به توسل او به اهرم‌های قوی‌تر - منتهی شود. از این رو، تیم مذاکره‌کننده ایران زیر ذره‌بین قرار خواهد داشت. مسئولیت سنگینی بر دوش مذاکره‌کنندگان ایران افتاده است و لازم است در این مأموریت سخت - که طی آن لحن و روند آتی مذاکرات کلید خواهد خورد - از آزادی عمل و به تبع از حمایت و پشتیبانی بازیگران مختلف صحنه سیاسی کشور برخوردار باشند. دکتر ظریف در اولین حضور خود در نیویورک پس از روی کار آمدن دولت اول روحانی، تمام کشورهای عضو ۵+۱ را در اتاق مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل جمع کرد و در آن‌جا با ایراد یک سخنرانی دقیق و حساب‌شده، عملا روحیه و لحن حاکم بر مذاکرات پیش رو را تعیین کرد. یک ماه بعد نیز در ژنو - به کمک نرم‌افزار پاورپوینت جدول زمانی و نقشه راهی ارائه داد که حکایت از تسلط تیم جدید بر جزئیات پرونده و اختلافات فی‌مابین و همچنین عزم راسخ تهران بر حل این اختلافات داشت. حتی تیتر و عنوانی که دکتر ظریف در آن جلسه برای ارائه پاورپوینتی خود برگزیده بود - عنوانِ «بستن یک بحران غیرضروری و گشودن افق‌های جدید» - به قدری سنجیده انتخاب شده بود که توجه بسیاری از رسانه‌های مهم جهان را در آن زمان به خود جلب کرد و از این رو کار را برای کارگزاران پروژه ایران‌هراسی تا مدت‌ها دشوار ساخت! حتی دیپلمات ارشد آمریکا پس از آن جلسه نتوانسته بود در برابر پرسش رسانه‌ها، کوچک‌ترین نکته منفی یا نکته ضعفی از موضع ایران جهت بهره‌برداری سیاسی استخراج و بر زبان بیاورد. حال باید دید باقری کنی و تیم جدید مذاکره‌کننده تا چه میزان از این راه و روش - که ریشه در علم دیپلماسی و روانشناسی دارد - پیروی خواهند کرد. در عالم دیپلماسی می‌گویند «نرم سخن بگو؛ اما چماق بزرگی در دست داشته باش»! معتقدم اگر تیم جدید مذاکره‌کننده ایران این اصل را در موضع‌گیری‌ها و اظهارات خود لحاظ کند، واقع‌گرایانه عمل کند و در برابر برخی فشارهای داخلی برای «تبدیل کردن میز مذاکرات به تریبون شعار» تسلیم نشود، بعید نیست بتواند در بازه زمانی قابل قبولی به موفقیت‌های خوبی دست یابد.

نگاه

درخواست عجیب و غریب وزیر اقتصاد!

ادامه از صفحه اول/ بنا به گفته این منبع، خاندوزی تأکید کرده که وزارت اقتصاد و دستگاه‌های تابعه اجرای این قانون را از طریق صرفه جویی در هزینه‌ها و از محل اعتبارات داخلی خود تأمین خواهند کرد که بدون بار مالی خواهد بود. این حرکت از طرف وزیر اقتصاد که سکاندار اقتصادی دولت است و برای مهار تورم و گرانی و کاهش قیمت‌ها تلاش می‌کند و باید الگوی مناسب سایر وزرا در کاهش تورم واقتصاد مقاومتی باشد، درخواستی عجیب و غریب است که اجرای آن در این شرایط سخت اقتصادی می‌تواند تبعات جبران ناپذیری را برای دولت و مجلس به دنبال داشته باشد و تنش‌هایی را در جامعه به وجود آورد. اگر بقیه وزارتخانه‌ها نیز بخواهند از منابع داخلی خود و صرفه‌جویی هزینه‌ها چنین افزایش‌هایی را داشته باشند این هرج و مرج، نظام هماهنگ پرداخت حقوق را بیش از پیش خدشه‌دار می‌کند و تورم افسار گسیخته را باعث می‌شود. از طرفی چگونه ممکن است که این افزایش حقوق بار مالی نداشته باشد و بتوان با صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری که تخصیص آن نیز به سختی انجام می‌شود، منابع مورد نیاز برای افزایش حقوق را تأمین کرد.